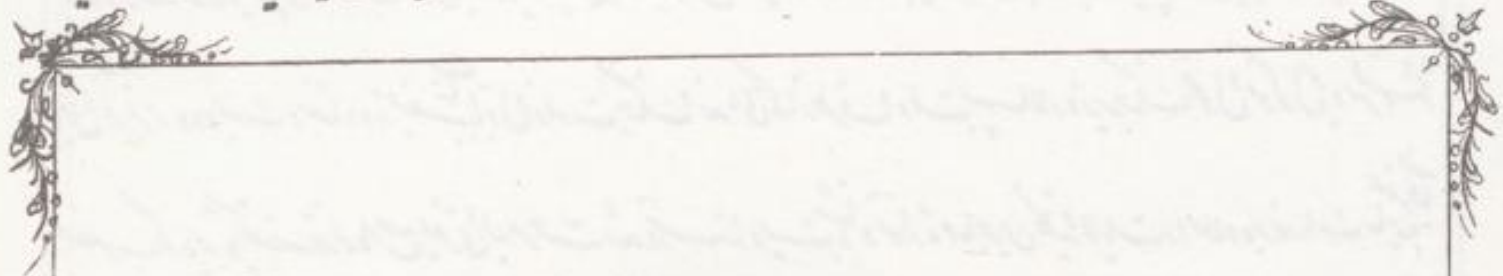


نمبر هجدهم

شهر جمادی الاخری ۱۳۰۱



این روزنامه شریفه ماهی یک نوبت بطبع میرسد قیمت نسخه بقران سالانه یک تومان و دو هزار و سیصد



وزارت معاش

جناب اعضاد الدوله

جناب میرزا امیدخان اعضاد الدوله قاجار و لوپس مرحوم میرزا محمدخان قاجار سپهسالار عظیم که علاوه بر این منصب خلیل شرف مصابرت سلطنت

شهور سیده بود متری برادر خرد وز رای شورای دولت فسلک و منصب فرمودند که در اوقات حضور در دربار دولت مجلس محترم در بار
 دار شورای دولت حاضر شده تیاج مفیده آرا و افکار صائبه خود را ظاهر سازد و اکنون خراسان ببل و منصب وزارت مشغول و همواره
 نظر و لطافت خاطر بیایونی مشمول و دارای انواع استیارات دولتی از شان مثال مایون و عصبای مرصع و انگشتری سایر نشانهای قجاری میباشد



جناب تومن تسلطه
 بقیه روزنامه سفر شایبایی دام مملکه بنام استاق

امروز با دز یاد آمد مخصوصاً این ذره نور و پوش و ضعا طوریت که همیشه محل وزیدن باد است عصر بنزل آیدیم

روز پنجم سوار شده کنار رودخانه کمرود در آن کوه سر بالا رفتیم حاصل اینجا با اسب خلی خوب شده چاکتر از نخعی ده
 نذره است بعضی حاصل کندم که در دست کوه و در زمین شن زار کاشته بودند حال رسیدیم و در و شده بود ولی زراعت سایر را
 از کنار رودخانه و زمین خالی و چمن غیره هنوز رسیده بود و بقدره میت و ذر و دیگر کار داشت که بموقع در و برسد و آب غلبی هنوز سبب بود
 رسیدیم بد که این رودخانه با سم آن معروف است اصل ده در بخله کوه فاده و خانوار زیاد می رود اشجار و باغات ده در دست چپ جاده و
 دست راست روی تپه جلوه بعضی از قبور اعراب است که در زمان فتح ما نذران اینجا آمده و مرده آن بالای قبر آنها مختصر ثاری هم داشت
 از اینجا گذشته نیمه سنگی بالاتر رفتیم تمام عرض راه حاصل زراعت و آب اشجار رسیده بود آنرا راه صعبی بود رسیدیم بد که در وسط
 سنگی و قحط دهی است آباد خانوار زیاد و غلات خوب اشجار بسیار دارد از این ده گذشته می رود به و ترکلا که آخر آبادی این دره است از
 تا اینجا کفر سنج راه است قدری از این ده گذشته و از پل چوبی عبور نموده تویی زراعت اسپرس آفتاب گردان و نذ پیاده شده قدری استراحت
 کردیم از ده کمر دره دارد قدری بالا می رود دهی دیگر نیز پیدا است که شمش آسب میگویند خلاصه دو ساعت بغروب مانده در اینجا توقف نمود
 صنایع الدوله قدری روزنامه خواند بعضی نوشتجات و عرایص هم از شهر رسیده بود همه را ملاحظه نموده جواب نامه نوشتیم دو ساعت
 بغروب مانده سوار شده بطرف منزل آمدیم منزل دره سنگی بود و همه چادرها را از نزدیک هم زده بود

روز جمعه دوازدهم امروز باید بپوش برویم صبح برخاسته سوار شدیم امین سلطان و شجاع استلظه دم در سر پرده حاضر
 چند نفر از صاحبان فوج مخبران شقای هم که تازه از فارس آمده بودند در اینجا بحضور رسیدند قدری با آنها صحبت کرده بعد از آن
 همه جا از راه ساخته نیز از عبداله خان آمدیم راه را بخله دست راست انداخته و از آن راه خلی خوبی بنا کرده همه بقاعده مهندسی راه عرض
 محکم بی عیبی الی دونا ساخته است اگر زراعت و حاصل مردم انالی در زمین نباشد همه جای این راه هم از کنار رودخانه می توان رفت آن
 ایله خسارتی بزراعت مردم وارد نیاید این راه را غن نمودیم ساخته آن خلاصه همه جا از راه بخله آمده ما رسیدیم بد که دست چپ دره
 واقع و از آن منزل مانده یا سیر نمفنج سنگین است چنانکه اشاره شد این قریال صدیق الدوله و سراجی وزیر که برادر زاده صدیق الدوله باشد
 همیشه در این ده ساکن است بحضور آمد از یا سیر تا پیش راه خلی پست و بلند می برتکاههای سخت دارد که اگر ساخته نبود عبور از آن غیر ممکن بود یک کوره

هم از طرف دره بود که اغلب سوارها و مردم از آن راه رفتند بقیه در روزنامه است محمد حسن